

## **Investigating Mood Structure in Chapter 55 of the Qur'an (a-Rahman) Based on Halliday's Systemic Functional Approach**

**Tayebe Rahmati<sup>1</sup>, Amer gheitury<sup>2</sup>**

Department of English Language and Linguistics, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

Department of English Language and Linguistics, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

### **Abstract**

Modern linguistics and particularly textual and semiotic approaches to structure and functions of texts have provided researchers with important theoretical tools and concepts for modern textual studies of the Qur'an. One of these important approaches that seems useful in studying different types of text is Halliday's systemic functional grammar. For him, language has three main functions including ideational metafunction which enables us to talk about things in the world, textual metafunction which is responsible for making coherent communicative texts, and interpersonal metafunction according to which we interact with one another through language. Each of the three functions is realized linguistically by three lexico-grammatical structures, that is, the transitivity structure, the thematic structure, and the mood structure which is itself made of two main elements: the subject and finite. Having analyzed the mood structure in the selected Qur'anic text consisting of 78 verses and 99 clauses, it was concluded that the present tense and indicative mood are the dominant tense and mood respectively in this chapter. This has resulted in a largely spoken style directed toward the audience which is in line with the main function of this sacred text which is to link God and men.

**Keywords:** the Qur'an, a-Rahman, mood structure, systemic functional theory, Halliday.

## بررسی ساختار وجهِ سورهٔ الرحمن براساس نظریهٔ نقشی نظام‌مند هلیدی

طیبه رحمتی<sup>۱</sup>، عامر قیطوری<sup>۲\*</sup>

۱- گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه ایران.

Tayebe.rahmati98@yahoo.com

۲- گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه ایران

amer@razi.ac.ir

### چکیده

زبان‌شناسی نوین، به‌ویژه رویکردهای متنی و نشانه‌شناختی موجود دربارهٔ ساختار و کارکرد متن، ابزار و مفاهیم نظری مهمی را برای مطالعات متنی نوین قرآن در اختیار پژوهشگران قرار داده است. دستور نقشی نظام‌مند هلیدی از جمله این رویکردهای مهم است که پیش از این، کارایی خود را در مطالعهٔ انواع متن نیز نشان داده است. از نظر او، زبان سه نقش اصلی را بر عهده دارد: نقش بازنمودی که بر اساس آن، دربارهٔ جهان و پدیده‌ها سخن گفته می‌شود، نقش متنی که ما را به ساخت متون ارتباطی منسجم توانا می‌سازد و نقش بینافردی که تعامل ارتباطی ما را با یکدیگر ممکن می‌سازد. هر یک از این فرایندها به‌ترتیب با سه ساختار واژی - نحوی یعنی ساخت گذرایی، ساخت موضوعی و ساخت وجه تحقق‌زبانی می‌یابد. عناصر تشکیل‌دهندهٔ ساخت وجه، عنصر وجه و عنصر محدودکننده است. پس از مشخص کردن ساختار وجه در این سوره (شامل ۷۸ آیه و در مجموع ۹۰ بند) و تحلیل داده‌ها این نتیجه حاصل شد که زمان غالب در این سوره، زمان حال و وجه اخباری نیز وجه غالب در این متن است. این امر موجب شده است این سوره، حالت خطابی داشته و بیشترین توجه آن معطوف به مخاطب باشد؛ این امر با هدف اصلی این کتاب مقدس همسو است که همانا وصل کردن انسان به خداوند متعال است.

### واژه‌های کلیدی

قرآن، سورهٔ الرحمن، ساختار وجه، نظریهٔ سیستمی - نقشی، هلیدی

### ۱- طرح مسئله

سرگذشت تاریخی یک پیامبر یا قوم‌اند یا اصلاً به تاریخ مربوط نیستند و گفتگوی اهل دوزخ و بهشت را در آخرت نقل می‌کنند. چنانکه در برخی سوره‌ها همچون سوره صافات می‌بینیم گفتگوی اشخاص مختلف در روز قیامت نیز از طریق همین فعل قال نقل می‌شود. نکتهٔ بااهمیت و احتمالاً شگفت‌انگیز آن است که تمامی این روایات تاریخی یا اخروی بر نقل یا

تا آنجا که به ارتباط آیات و خواننده مربوط می‌شود، قرآن متشکل از سه ساختار کلامی است: نخست، متون روایی که سرگذشت قوم یا پیامبری را بیان می‌کنند. اینگونه متون، بخش عمدهٔ قرآن را تشکیل می‌دهند و با فعل «قال» یا افعالی همانند محقق می‌شوند که وظیفهٔ نقل یک قول را دارند. این روایات،

(الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ)

(الرَّحْمَنُ: ۱-۴): [خدای] رحمان، قرآن را یاد داد. انسان را آفرید، به او بیان آموخت.

چنانکه می‌بینیم این آیات از صفات و اعمال خداوند و از روز قیامت سخن می‌گویند. جالب اینکه هیچ نقل قول یا امری که با قل آغاز شود از آغاز تا پایان سوره به چشم نمی‌خورد. در عین حال، خواننده دهها بار با آیه (فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ) مستقیماً خطاب می‌شود. به نظر می‌رسد این سوره را نتوان به یکی از زمان‌های موجود ربط داد. نه چون روایت پیامبران است که از وقایع گذشته سخن بگویند و نه حاوی امری برای مخاطب که با قل آغاز شود. بسیاری از آیات دیگر قرآن نیز به همین صورت به زمان خاصی مربوط نمی‌شوند. نمونه این آیات جایی است که صفات مؤمنان در سوره مؤمنون و در ادامه در سوره لقمان بیان می‌شود: (قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ...) (مؤمنون: ۱): به راستی که مؤمنان رستگار شدند... (همان).

سوره مطالعه‌شده در این پژوهش از ویژگی‌های ساختاری و محتوایی خاصی برخوردار است که آن را برای مطالعهٔ متنی، بسیار مناسب می‌سازد. برخلاف بسیاری دیگر از سوره‌ها موضوع مسئله‌ای در دوران صدر اسلام یا موضوعی در تاریخ بنی‌اسرائیل نیست، بلکه اینجا موضوع صرفاً خدا و نعمت‌های اوست. این موضوع و محتوی، تأثیر خود را به لحاظ ساختاری نیز بر این سوره گذاشته است و چنانکه در ادامه خواهیم دید تمامی آیات به زمان حال و رو به خواننده یا مخاطب دارند. هرچند با قدری تأمل چنین ویژگی‌هایی را دربارهٔ همهٔ آیات وحی می‌توان یافت (قیطوری، ۱۳۹۸، ص ۱۲۷ و ۱۳۰)، تفاوت‌های ساختاری و موضوعی اشاره‌شده، این سوره را در جایگاه خاصی قرار می‌دهد.

گزارش قول استوارند. به عبارت روشن‌تر، همهٔ وقایع با نقل گفتگوهای گزارشی می‌شوند که بر فعل قال استوارند؛ بنابراین، در این نوع ساختار، داستان‌ها همچون یک متن نمایشی از طریق گفتگو روایت می‌شوند. بدین ترتیب که هر یک از شخصیت‌های متعدد روایت به‌نوبت روی صحنه می‌آیند و نقش خاص خود را از طریق فعل قال به نمایش می‌گذارند.

سرگذشت پیامبران بزرگی چون موسی، ابراهیم، نوح و ... از جمله این نوع روایت‌ها و الگوهای کلامی است. نوع دوم این ساختارها آیه‌هایی را شامل می‌شوند که در آنها مخاطب، مؤمنان یا پیامبر گرامی اسلام (ص) از طریق فعل «قل» یا دیگر افعال همانندش به گفتن چیزی یا انجام کاری امر می‌شود. نمونه اینگونه ساختار به‌روشنی در سوره توحید، کافرون و بسیاری آیات قرآن مشاهده می‌شود. این نوع ساختار در سوره‌های مختلف قرآن حجم نسبتاً بزرگی را به خود اختصاص داده و صدها بار به کار گرفته شده و همانند ساختار قبلی بر فعلی استوار است که آن نیز بیان‌کنندهٔ قول است. هرچند در اینجا روایتی در کار نیست و گفتگویی نقل نمی‌شود، مخاطب از طریق امر قل به گفتن چیزی امر می‌شود؛ این بدان معناست که خواننده یا مخاطب (حضرت پیامبر "ص") نقش خود را از طریق گفتن چیزی ایفا کند. هرچند گوینده این نوع قول نه حضرت است و نه هیچ مخاطب دیگر؛ زیرا قولی که پس از قل می‌آید نیز بخشی از کلام خداست (قیطوری، ۱۳۹۸، ص ۱۲۶).

و اما سومین الگوی ساختار که اهمیتی کمتر از دو نوع قبلی ندارد، جایی است که خطاب بی‌واسطهٔ فعل قال یا قل تحقق می‌یابد. نمونه این الگوی خطابی، آیات زیر و همانند آن از سوره الرَّحْمَن است:

ارتباط است که «ساختار وجهی» در دستور زبان، سازوکار این فرانش را تبیین می‌کند. فرانش بازنمودی زبان دربارهٔ تجارب انسان از جهان بیرون است که این تجربه، هم می‌تواند ذهنی و غیر ملموس و هم عینی و ملموس باشد. ساختار مبتدایی در دستور زبان، ابزاری برای توضیح سازوکار این فرانش است.

فرانش سوم در دستور نظام‌مند هلیدی، فرانش متنی است که به چگونگی شکل‌گیری یک متن می‌پردازد. براساس این فرانش، جمله‌ها می‌باید به شکل معنادار و منطقی در کنار هم قرار بگیرند تا به تولید یک متن منجر شوند. ساختار موضوعی در دستور زبان، مسئول ایفای فرانش متنی است. هریک از این ساختارهای سه‌گانه که مسئولیت برآوردن یکی از این فرانش‌ها را به عهده دارند، دارای اجزایی اند که در این پژوهش تنها ساخت وجهی زبان بحث و بررسی می‌شود که به شکل‌گیری فرانش بینافردی منجر می‌شود (Eggin, 2004, p. 1).

جف تامسون<sup>۱</sup> (Thompson, 2014, p. 50) فرانش بینافردی را چنین توضیح می‌دهد: فرانش بینافردی زبان برای «تبادل» معنا به کار می‌رود. بر اساس این، هدف اصلی زبان، ایجاد ارتباط است. در واقع از زبان به‌عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری انسان‌ها بر یکدیگر استفاده می‌شود. این فرانش براساس نوع ارتباط میان گوینده و شنوندهٔ کلام، به چهار قسم تقسیم می‌شود که به آنها نقش‌های گفتاری گویند. این نقش‌ها از این قرارند:

الف- خبری: گوینده، اطلاعاتی را در اختیار شنونده قرار می‌دهد.

چنانکه خواهیم دید زمان حال جاودان یا بی‌زمانی ویژگی بارز و انکارناپذیر این سوره خواهد بود که می‌تواند در تمایز کلام وحی از سایر مقوله‌های کلام نیز به کار آید. علاقه به مطالعهٔ این سوره در چارچوب نظریهٔ هلیدی و ساختار وجه که بیش از هر چیز با تعامل بینافردی و نیز مسئلهٔ زمان و وجه، ارتباط دارد به‌دلیل همین ویژگی‌های خاص ساختاری است. در ادامه، نظریهٔ مذکور و ساختار وجه بررسی مختصری شده‌اند.

## ۲- چارچوب نظری

زبان‌شناسی نقش‌گرا یکی از نظریه‌های کارآمد و موفق دربارهٔ تحلیل انواع متن است. پژوهشگران در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی و سایر علوم که علاقه‌مند به تحلیل متن خاصی‌اند، به این رویکرد توجه بسیاری کرده‌اند. از جمله چهره‌های کلیدی در زمینهٔ زبان‌شناسی نقش‌گرا، مایکل هلیدی، زبان‌شناس انگلیسی و بنیان‌گذار نظریهٔ سیستمی - نقشی است. به گفتهٔ هلیدی (۲۰۱۴، ص ۴۲؛ ۱۹۷۸، ص ۲)، آنچه ساختار زبان را شکل می‌دهد، نقش‌های زبانی‌اند که در فرایند ارتباط شکل می‌گیرند. در این انگاره، عاملی که باعث پیدایش و شکل‌گیری دستور زبان در طول تاریخ بوده است، نقش‌های زبانی‌اند که با پیچیده‌شدن این نقش‌ها، ساختار زبان نیز به تدریج از آن تأثیر پذیرفته و به‌طور روزافزون پیچیده شده است.

هلیدی نقش اصلی زبان را رساندن معنای خاصی می‌داند که در فرایند ارتباط شکل می‌گیرد و برای زبان سه فرانش اصلی در نظر می‌گیرد: «فرانش بینافردی»، «فرانش متنی» و «فرانش بازنمودی». با توجه به مطالب آمده در این کتاب، زبان در فرانش بینافردی، ابزاری برای ایجاد تعامل میان افراد جامعه و برقراری

<sup>۱</sup> - Thompson

بندها از نظر ساختار وجه و زمان اولیه و ثانویه تحلیل شده‌اند و پس از آن، الگوها و سبک کلامی خاصی بررسی شده‌اند که از قبل این ویژگی‌ها حاصل می‌شوند.

### ۳- پیشینه پژوهش

بررسی سوابق پژوهشی مربوط به موضوع حاضر نشان می‌دهد پژوهش‌های درخور توجهی درباره قرآن در چهارچوب نظریه سیستمی - نقشی هلیدی صورت گرفته که در اینجا به ذکر چند نمونه بسنده شده است. عزیزخانی، سلیمانزاده و شاملی (۱۳۹۶) از جمله کسانی‌اند که متن قرآن را در چهارچوب نظریه سیستمی - نقشی هلیدی بررسی کرده‌اند. آنان سه فرانش بینافردی، متنی و بازنمودی را در سوره انشراح تحلیل کرده و به نتایج زیر دست یافته‌اند: در فرانش متنی، مبتدای مرکب و اطلاعات قدیمی دارای بیشترین بسامدند و متن از انسجام درون‌متنی برخوردار است. در فرانش بازنمودی، فرایند مادی بیشترین آمار رخداد را در این سوره دارند که موجب شده است متنی فهم‌پذیر برای مخاطب شکل بگیرد. سازوکار فرانش بینافردی و ساختار وجه در این سوره چنین است که خدای تعالی با وجه اخباری، بنده‌اش را از نعمت‌هایی که به او داده است، آگاه می‌سازد و با امرکردن پیامبر به شکرگزاری که فرایندی مادی است، فضایی کنشی بر متن حاکم می‌کند. در پژوهش دیگر، صادقی، نقی‌زاده، کاظمی طباطبایی (۱۳۹۴) به تفسیر ساختاری سوره کوثر بر پایه نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی پرداخته‌اند و پس از بررسی سه فرانش بیان می‌دارند در این سوره، از نظر ساخت تعدی، فرایند مادی وقوع بالایی داشته است و از منظر

ب- پرسشی: گوینده از شنونده، اطلاعاتی درخواست می‌کند.

ج- پیشنهادی: گوینده، خدماتی را به شنونده ارائه می‌کند.

د- امری: گوینده از شنونده خدماتی را درخواست می‌کند.

گفته شد فرانش بینافردی زبان، از طریق ساختار وجه<sup>۱</sup> در دستور زبان تبیین می‌شود. در ساختار وجه، عنصر وجه بخش اصلی و کلیدی را تشکیل می‌دهد که از دو جزء نهاد و عنصر محدودکننده تشکیل می‌شود. نهاد معمولاً گروه اسمی است که در جملات خبری در آغاز جمله ذکر می‌شود. عنصر محدودکننده از دو جزء یعنی زمان<sup>۲</sup> و عنصر وجه<sup>۳</sup> تشکیل می‌شود. نقش زمان، محدودکردن عمل انجام‌شده در جمله است که در واقع عمل انجام‌شده را به بافت خاصی مرتبط می‌کند؛ بافتی که به زمان حال مربوط می‌شود. عنصر وجه، قطعیت و قضاوت گوینده و شنونده را درباره جمله بیان‌شده نشان می‌دهد. در واقع وجهیت درباره اینکه چیزی محتمل است یا محتمل نیست، پسندیده است یا پسندیده نیست و مفاهیمی از این قبیل توضیحاتی به دست می‌دهد. علاوه بر این، عنصر وجه نوع جمله را از لحاظ مثبت یا منفی بودن نیز نشان می‌دهد. گفته شد ساختار وجه از دو جزء نهاد و عنصر محدودکننده تشکیل شده است، بخش سوم ساختار وجه، ساختار باقیمانده نامیده می‌شود که می‌تواند شامل محمول، متمم و ادات باشد.

پس از پیشینه پژوهش، در ادامه، سوره الرحمن تحلیل شده که مشتمل بر ۷۸ آیه و ۹۰ بند است. کلیه

1- Mood structure  
2- Tense  
3- Modality

در زمان حال ساده به وقوع پیوسته است؛ یعنی گویندهٔ کلام، افعال و اخبار موجود در بندها را به ساده‌ترین شکل ممکن و با زمان حال بیان کرده است. وجه غالب در این سوره، وجه اخباری است که نشان‌دهندهٔ قاطعیت کلام گویندهٔ این کلمات، یعنی حضرت باری تعالی است.

در فرانش متن، بیش از ۹۶٪ بندها دارای ساختار بی‌نشان‌اند که از این طریق، گوینده توانسته با به‌کارگیری واژگان متعارف قرآنی که در عصر نزول قرآن نیز متداول و مرسوم بوده است، با بهترین و فصیح‌ترین لحن، مقصود خود را به مخاطب القا کند. همچنین، کرمانی، قیطوری و صابری (۱۳۹۸) در بررسی ساختار گذرای سورهٔ یوسف در چارچوب نظریهٔ هلیدی به تحلیل انواع فرایندها و ساختارهای پیچیدهٔ متنی همت گمارده‌اند. براساس نتایج به‌دست‌آمده، گوینده در این متن از انواع فرایندها برای پردازش معنا استفاده کرده است؛ ولی بسامد استفاده از فرایند مادی، بیش از سایر فرایندها بوده که این امر موجب شده است این متن برای همگان فهم‌پذیر باشد و گوینده با استفاده از مثال‌هایی ملموس، بتواند معانی عمیق و درک‌پذیری برای عامهٔ مردم تولید کند.

بازوبندی و صحرایی (۱۳۹۴) بر مطالعهٔ ساختار وجه و نقش بینافردی متمرکز شده‌اند. این دو محقق به تحلیل فرانش بینافردی در گفتگوی خدای تعالی و ابلیس در چهار سورهٔ اعراف، حجر، اسراء و ص می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که این فرانش قدرت کافی برای به‌چالش کشیدن تبادیل معنا در قرآن را ندارد؛ به این دلیل ساده که عناصر وجه در زبان انگلیسی دقیقاً تطابق‌شدنی بر ساختار زبان عربی نیست. همچنین، زمان را به چهار شاخهٔ حال، گذشته،

فرانش بینافردی، زمان گذشته و زمان امری با بسامد یکسان ۴۰٪ و زمان حال ۲۰٪ در این سوره وقوع داشته‌اند. یکی از مشکلاتی که نویسندگان در این پژوهش با آن روبه‌رو بوده‌اند، این است که در زبان عربی تقسیم‌بندی روشن و دقیقی از زمان افعال صورت نمی‌گیرد و برخلاف سایر زبان‌ها که زمان را به گذشته، حال و آینده تقسیم می‌کنند، در زبان عربی از حال، گذشته، امر، نهی و غیره در تقسیم زمان جمله استفاده می‌کنند. وجه اخباری، وجه غالب در این سوره است که نشان می‌دهد هدف از این سوره، رساندن اطلاعات و اطمینان به مخاطب خویش یعنی رسول خدا(ص) است.

یکی دیگر از پژوهش‌ها در این حوزه، از آن باتمانی (۱۳۸۹) است که سورهٔ یاسین را بر مبنای نظریهٔ نقشی - نظام‌مند هلیدی تجزیه و تحلیل می‌کند. او در این تحقیق، با اتخاذ یک روش درون‌متنی، بندهای آیات سورهٔ یس را براساس نظریهٔ سیستمی - نقشی هلیدی بررسی می‌کند تا کارآمدی دیدگاه نقش‌گرایی را در تحلیل متون قرآنی نمایان سازد. او اهمیت پژوهش در این حوزه را چنین توضیح می‌دهد: آگاهی از فرایندهایی که در مسیر تولید یک متن دخالت دارند و نیز اطلاع از نوع روابط حاکم بر اجزای تشکیل‌دهندهٔ یک متن، به درک بهتر آن متن کمک می‌کند و به خواننده در روند تحلیل و تفسیر متن یاری می‌رساند.

بر اساس نتایج این تحقیق، در تحلیل ساختار گذرای، بسامد زیاد فرایند کلامی موجب می‌شود تا این سوره به شکل گفتگوهای دوطرفه‌ای باشد که با فرایند کلامی و با فعل «قالوا» آغاز می‌شوند. در تحلیل فرانش بینافردی، جریان فعلی در بیش از ۵۵٪ بندها،

پاره‌گفتاری در بستری از زمان خاص و مکان خاص شکل می‌گیرد و هر رخداد زمانی، می‌باید دارای دو مؤلفهٔ زمان و بافت باشد و خطی بودن زبان به این معنا است که هر رویدادی براساس زمان، پس از رویداد دیگری رخ می‌دهد و هر متنی دارای آغازی است و به یک پایان ختم می‌شود.

در توضیح دوسویگی، یکی دیگر از ویژگی‌های زبان بشری، این است که هر گفتمانی دست‌کم باید بین دو نفر اتفاق بیفتد: گوینده و شنونده (یا نویسنده و خواننده در گونهٔ نوشتاری) و در صورت نبود یکی از طرفین، ارتباط امکان‌پذیر نیست و رخداد زبانی شکل محقق نمی‌شود. بر اساس استدلال‌های این مطالعات، قرآن متنی دوسویه نیست که در جریان ارتباط بین گوینده و شنونده شکل گرفته باشد. این متن با اینکه از زبان پیامبر جاری شده است، ولی وجود مبارک رسول خدا - صلی الله علیه و آله - هیچ نقشی در صورت بستن متن قرآن ندارد و تنها مانند یک رسانندهٔ پیام یا خواننده ایفای نقش می‌کند.

عامل دیگری که موجب می‌شود ارتباط به شکل معمول آن در قرآن وجود نداشته باشد، وجود صداهای بی‌شمار و متنوع به‌عنوان گوینده در این کتاب است: صداهایی از زبان فرشتگان، پیامبران، گناهکاران، مؤمنان و افراد دیگر. خداوند تعالی نیز به‌عنوان راوی اصلی، به اشکال مختلفی حوادث را روایت می‌کند؛ گاه در قالب ضمیر اول‌شخص مفرد و گاهی در قالب ضمیر سوم‌شخص مفرد و در برخی جاها نیز با ضمیر اول‌شخص جمع، رخدادها را نقل می‌کند. چنین شکلی از ارتباط در متون دیگر تصورشدنی نیست.

همچنین، قرآن برخلاف زبان عادی، مقید به بافت

آینده و فرازمان تقسیم کرده‌اند. فرازمان را زمانی می‌دانند که بر هر سه زمان دلالت دارد. یکی از مشکلات محققان آن است که در عربی جملات اسمیه به علت نبود عنصر زمان‌دار، مسکوت و ناتمام‌اند. همچنین، برخی معتقدند زمان در این جملات به قرینهٔ لفظی یا معنوی فهمیده می‌شود و می‌تواند بر هر سه زمان دلالت داشته باشد.

برخی نیز معتقدند جملات اسمیه فاقد نواسخ، صرفاً بر زمان حال دلالت دارند و محققان برای جمع بستن این دو دیدگاه، از عنصری به نام «فرازمان» استفاده کرده‌اند. مشکل دیگر آن است که تفکیک عنصر افزوده از متمم به دلیل شباهت ساختاری زیاد آنها دشوار است. عنصر افزوده در زبان عربی نقش گروه اسمی دارد که در زبان انگلیسی چنین نیست. آنان دربارهٔ بندهای امری این فرضیه را مطرح می‌کنند که فعل امر در حالت بی‌نشان مثبت در عربی، دارای ساخت وجهی، متشکل از فاعل و زمان‌داری است. در تحلیل نقش‌گرا، فعل امر در حالت بی‌نشان و با قطبیت مثبت، اصلاً عنصر وجه ندارد و صرفاً متشکل از محمول است. فعل امر در عربی فقط بر زمان حال دلالت دارد و وجه آن نیز انشایی است. فعل امر در حالت بی‌نشان مثبت در عربی دارای ساخت وجهی متشکل از فاعل و زمان‌داری است.

مطالعات مهم دیگر مربوط به قیطوری (۱۳۸۵)، ۲۰۱۵ و ۱۳۹۸ است. او با تأکید بر اینکه تبیین ویژگی‌های متن آسمانی به‌ضرورت باید از توضیح مختصه‌های زبان بشر آغاز شود، ویژگی‌های اصلی زبان را در قرآن بررسی می‌کند. تمام زبان‌های بشری دارای دست‌کم چهار ویژگی‌اند: ۱- زمان؛ ۲- بافت؛ ۳- نظم خطی و ۴- دوسویگی. با این توضیح که هر

مجموعه واژگانی ساده و تکراری‌اند، این عوامل به قرآن انسجام منحصر به فردی بخشیده که به شکل‌گیری سبک خاصی نیز در آن منجر شده است.

یکی دیگر از ویژگی‌های زبان بشری در قرآن، مقید بودن به زمان است. در موارد قبل، خدایی برای ما به تصویر کشیده می‌شود که تا حد امکان از بشر و زبان او فاصله می‌گیرد؛ خدایی بسیار بسیار دور، ولی در اینجا و درباره زمان قرآن، ما شاهد خدایی هستیم که بسیار بسیار به انسان نزدیک می‌شود و می‌توان حضور او را به خوبی حس کرد؛ با این توضیح که در قرآن به موازات صداهای بی‌شماری که به عنوان متکلم وجود دارد، «یک» راوی اصلی وجود دارد که تمامی داستان‌ها و حوادث از زبان او نقل می‌شوند و کنترل تمام شخصیت‌ها، صحنه‌ها و حوادث به دست اوست. به عبارت دیگر، یک صدا وجود دارد که تمامی صداهای دیگر را کنترل می‌کند. این راوی اصلی در همه جا و همه زمان‌ها حضور دارد و این حضور لازمان و لامکان، زمان خاصی را بر متن حاکم می‌کند که او نام «حال جاودان» بر آن می‌نهد و ادعای خود را با آوردن شواهد روشن از دستور زبان اثبات می‌کند.

#### ۴- تحلیل داده‌ها: فرانش بینافردی در سوره الرحمن

برای تبیین فرانش بینافردی در این سوره می‌باید این سوره به بندهای تشکیل‌دهنده آن تقسیم شود. سوره الرحمن با داشتن ۷۸ آیه، از مجموع ۹۰ بند تشکیل شده است. در این پژوهش، ملاک تشخیص هر بند این بوده است که در هر بند باید دست‌کم دو جزء یعنی نهاد و عنصر محدودکننده وجود داشته باشد تا یک بند در نظر گرفته شود. در زبان عربی، دو نوع

نیست؛ برای مثال، یکی از داستان‌هایی که در قرآن وجود دارد، داستان حضرت زکریا - علیه‌السلام - است. وقتی ایشان به دعا از خداوند درخواست فرزند می‌کنند و خدای متعال دعای ایشان را مستجاب می‌کند، حضرت زکریا از خداوند درخواست می‌کند نشانه‌ای برای او قرار دهد تا مطمئن شود دعایش به اجابت رسیده است و خداوند می‌فرماید: نشانه تو این است که تا سه روز نمی‌توانی با مردم تکلم کنی. در دو جا از قرآن از این داستان واحد نام برده شده است؛ اما در یکجا گفته شده است زکریا سه روز نتوانست با مردم صحبت کند و در جای دیگر گفته شده است او سه شب نتوانست صحبت کند. با در نظر گرفتن این حقیقت که هر پاره‌گفتاری منحصر به فرد است و فقط یکبار در واحد زمان رخ می‌دهد، چنین رویدادی محال است در زبان عادی، اتفاق بیفتد. علاوه بر این، شخصیت‌های قرآن، منحصراً شخصیت‌های خود قرآن‌اند؛ به این معنا که در عالم واقع و جهان بیرون چنین نقل‌قول‌های میان شخصیت‌ها وجود ندارد.

قرآن، نظم خطی معمول در زبان را نیز نفی می‌کند؛ برای مثال، داستان حضرت موسی - علیه‌السلام - در جاهای مختلفی از قرآن آمده و این‌طور نبوده است که تمام داستان از آغاز تا پایان در یکجا گفته شود؛ بلکه مانند مشتی مروارید که روی سنگ‌فرش اتاقی پخش‌اند، در جاهای مختلف قرآن، قطعات این داستان واحد پخش شده است؛ بنابراین، این متن هرگز از انسجام درون‌متنی یا به تعبیری نظم خطی برخوردار نیست. در مقابل، در قرآن انسجام و نظم به شکل دیگری وجود دارد؛ به این شکل که چون این متن همیشه رو به سوی مخاطب دارد و نیز واژگان آن یک



زمان رخداد است؛ بدان معنی که وقوع آن حتی به‌عنوان یک کنش بیانی که جمله‌واره «ما می‌گوییم...» یا «من می‌گویم...» را به‌طور مستتر در ژرف‌ساخت خود دارد، به هیچ زمان خاصی از نوع گذشته یا آینده وابسته نیست.

چنانکه خواهیم دید بیشتر بندهای این سوره، زمان رخداد ندارند. در نظر گرفتن نهاد «نحن» برای این بند، تنها تحلیلی زبان‌شناختی و سازگار با دستور نظام‌مند است؛ ولی از نظر تفسیری به این معنا نیست که این آیه از زبان رسول خدا یا فردی بیان می‌شود که در حال تلاوت قرآن است. از نظر وجه نیز دارای وجه خبری است و کل آیه نیز در جایگاه باقی‌مانده قرار می‌گیرد.

«الرحمن» در بند الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ، نهاد جمله است و از نظر زمان، دارای زمان گذشته، نمود کامل و وجه اخباری است. دو آیه ۳ و ۴ دارای ساختار وجه مشابه با همین آیه‌اند؛ با این تفاوت که دارای نهاد ناآشکارند.

جدول شماره (۱): ساختار وجه آیات ۱-۴ سوره الرحمن

ساختار وجه				
باقیمانده	عنصر وجه			
	نهاد	عنصر محدودکننده		
		زمان اصلی	زمان ثانویه	وجه
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	«نحن»	حال	ناقص	خبری
الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ	الرحمن	گذشته	کامل	خبری
خَلَقَ الْإِنْسَانَ	«الرحمن»	گذشته	کامل	خبری
عَلَّمَهُ الْبَيَانَ	«الرحمن»	گذشته	کامل	خبری

بند یا جمله‌واره وجود دارد: ۱- جمله اسمیه و ۲- جمله فعلیه. به دلیل اینکه فعل در جملات اسمیه تظاهر آوایی ندارد و از معنا درک می‌شود، می‌باید برای تشخیص تعداد بندها علاوه بر توجه به تعداد فعل‌ها، معیارهای دیگری را نیز در نظر گرفت؛ برای مثال، توجه به معنای این جملات، ملاکی برای تشخیص بند است.

به‌طور کلی، ساختار وجهی برای هر بند از دو جزء اصلی تشکیل می‌شود: عنصر وجه<sup>۱</sup> و باقیمانده<sup>۲</sup>. عنصر وجه در ساختار وجهی شامل نهاد<sup>۳</sup> و عنصر محدودکننده<sup>۴</sup> است. عنصر محدودکننده، اصلی‌ترین نقش را در ساختار وجه دارد و می‌توان گفت جزئی از بند و حاوی عنصر زمان و وجه است. بندها از نظر زمان به سه دسته حال، گذشته و آینده تقسیم می‌شوند. عنصر وجه به نوع نگرش گوینده یا شنونده، به عملی مربوط است که با فعل به وقوع پیوسته که در زبان‌های مختلف، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از آن به‌عمل آمده است. وجهیت در این پژوهش با توجه به متن تحلیل شده، به خبری، پرسشی، امری، التزامی و ندایی تقسیم شد.

مطابق جدول زیر در اولین آیه از این سوره یعنی آیه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، نهاد و عنصر محدودکننده، هر دو محذوف‌اند و بنابراین، دستور سیستمی - نقشی هلیدی را با چالشی جدی مواجه می‌سازند؛ زیرا در دستور نظام‌مند هلیدی، یک عنصر در صورتی محذوف است که قرینه‌ای لفظی یا معنوی در بافت مرتبط دارد؛ حال آنکه در اینجا این حذف بدون هیچ قرینه‌ای صورت گرفته است. این آیه فاقد

- 1- Mood
- 2- Residue
- 3- Subject
- 4- Finite

معین، حقیقتی است که صادق بودن آن همیشگی است و به زمان خاصی محدود نمی‌شود؛ بنابراین، در چنین مواردی، زمان حال به مفهومی فراگیر اشاره می‌کند؛ مفهومی که همهٔ زمان‌ها، گذشته، حال و آینده را شامل می‌شود. او برای زمان در چنین بندهایی از اصطلاح «حال جاودان» یا «زمان بی‌زمان» استفاده می‌کند. آیه النَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ نیز مانند آیهٔ پیش از خود دارای نهاد مرکب است و از نظر عنصر محدودکننده دارای وجه اخباری و زمان حال است. در این جمله برخلاف آیهٔ قبل که فعل آن ناآشکار بود، فعل آشکار «يَسْجُدَانِ» وجود دارد که از نظر معنا بر حال جاودان دلالت می‌کند و بر حقیقتی ماندگار اشاره دارد.

«الشمس و القمر» در آیه الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ نهاد مرکب جمله به حساب می‌آیند. در زبان عربی به چنین جمله‌هایی جملهٔ اسمیه گویند؛ زیرا با یک اسم با نقش مبتدا شروع می‌شوند. فعل در جملات اسمیه، نمود آشکار ندارد. افعال اسنادی در این جملات از طریق بافت درک می‌شوند. زمان در جملات اسمیه بر زمان حال دلالت دارد. قیطوری (۲۰۱۵) دربارهٔ زمان چنین جملاتی می‌گوید: زمان در چنین جملاتی از نظر دستوری به زمان حال دلالت دارد؛ ولی از نظر معنایی، همهٔ زمان‌ها را در بر می‌گیرد؛ زیرا معنا در این جملات به حقیقتی کلی اشاره دارد که در تمامی زمان‌ها صادق است و مربوط به گذشته و آینده نیست. در این آیه، در گردش بودن خورشید و ماه با حسابی

جدول شماره (۲): ساختار وجه آیات ۶ و ۵ سورۃ الرحمن

ساختار وجه					بند
باقی مانده	عنصر وجه				
	عنصر محدودکننده			نهاد	
	وجه	زمان ثانویه	زمان اصلی		
بِحُسْبَانٍ	خبری	ناقص	حال	الشمس و القمر	الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ
يَسْجُدَانِ	خبری	ناقص	حال	النجم و الشجر	وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ

در آیه وَضَعَ الْمِيزَانَ، جمله‌واره فاقد نهاد آشکار است و ضمیر «هو» نهاد مستتر بند محسوب می‌شود که این آیه نیز ساختار وجه کاملاً مشابه با بند پیش از خود دارد.

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ؛ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ؛ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ؛ در این آیات که هر آیه یک‌بند نیز محسوب می‌شود، ضمیر مستتر «انتم» نقش نهاد بندها را دارد و از نظر زمان دستوری نیز بر زمان حال دلالت دارند و بر فرایند و حقیقتی ماندگار دلالت دارند. وجهیت در این جملات از نوع التزامی است. در این

در آیه السَّمَاءَ رَفَعَهَا، بر اساس دستور نظام مند هلیدی «السماء» در جایگاه نهاد جمله قرار دارد و در نتیجه، باید آن را نهاد بند در نظر گرفت؛ ولی در زیرساخت، نقش مفعول منطقی (Logical object) جمله را دارد. این نکته شایان ذکر است که در دستور زبان نقش گرای هلیدی، تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس صورت و ساختار جمله‌ها صورت می‌گیرد؛ اگرچه در زیرساخت و در حیطهٔ معنایی ممکن است تحلیل دیگری وجود داشته باشد. این بند از نظر زمان دارای زمان گذشته و وجه خبری است.

جدول شماره (۵): بسامد و درصد کلی انواع وجه در بندها

ردیف	نوع وجه	بسامد وجه در تمام بندها	درصد وجه
۱	خبری	۵۲	٪۵۷
۲	پرسشی	۳۰	٪۳۳
۳	التزامی	۵	٪۵
۴	ندایی	۲	٪۲
۵	امری	۱	٪۱

همچنین، آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» که ۳۱ مرتبه در این سوره تکرار شده، یکی از موضوعات مهمی است که در کنار توازی ساختار و نظم و آهنگ همسان آیه‌ها یا جمله‌واره‌ها عامل مهم سبک‌ساز در این سوره است. نکته جالب توجه آن است که تمامی رخدادهای متعدد این آیه، روی به مخاطب دارند و چارچوبی برای درک سبک خطابی دیگر آیه‌ها پیش رو قرار می‌دهند.

در توضیح یافته‌های به‌دست‌آمده از داده‌های این تحلیل می‌توان گفت زمان و بافت از مسائل مهم و قابل‌مشهود در این متن است. دارا بودن زمان و بافت از ویژگی‌های زبان بشر است؛ اما در اینجا متنی فرارونده وجود دارد که این ویژگی‌ها را درنور دیده و تمامی زمان‌ها و مکان‌ها را در بر گرفته است. برای روشن شدن موضوع می‌توان گفت در حالت عادی، هر پاره‌گفتاری در بستر خاصی از زمان و در بافت خاصی روی می‌دهد؛ ولی رخدادهای این سوره به زمان یا بافت خاصی تعلق ندارند؛ برای مثال، آیات انتخاب‌شده زیر از همین سوره را در نظر بگیرید:

- فَإِذَا أَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ؛

- هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ؛

- يُطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ أُنْزِلَتْ

آیات، خدای متعال پس از برشمردن نعمت‌هایی که از روی لطف و رحمت به انسان ارزانی داشته است، از او درخواست انجام اوامری را دارد که التزام کردن این دستورات نیز شکل دیگری از محبت باری تعالی به انسان است.

جدول شماره (۳): ساختار وجه آیات ۷-۹ سوره الرحمن

بند	ساختار وجه			
	نهاد	عنصر وجه		
		زمان اصلی	زمان ثانویه	وجه
السَّمَاءُ رَفَعَهَا	السماء	گذشته	کامل	خبری
وَضَعَّ الْمِيزَانَ	«هو»	گذشته	کامل	خبری
أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ	«انتم»	حال	ناقص	التزامی
وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ	«انتم»	حال	ناقص	التزامی
وَلَا تَخْسِرُوا الْمِيزَانَ	«انتم»	حال	ناقص	التزامی

پس از بررسی ساختار وجهی تک‌تک بندهای این سوره - که به نمونه‌هایی از آن اشاره شد - با توجه به جداول زیر، بیشتر بندهای این متن دارای زمان خبری و وجه اخباری‌اند.

جدول شماره (۴): بسامد و درصد کلی زمان وقوع بندها

ردیف	نوع زمان	بسامد زمان در تمام بندها	درصد بسامد زمان
۱	حال	۷۸	٪۸۷
۲	گذشته	۱۱	٪۱۲
۳	آینده	۱	٪۱

- وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ.

اتفاقاتی مانند از هم گسستن آسمان یا وجود عوالمی مانند جهنم و بهشت - که در این آیات به آنها اشاره شده است - رخدادهایی هستند که هیچ بشری در هیچ زمانی آنها را تجربه نکرده است و فاقد زمان و بافت‌اند؛ بنابراین، چون زمان قرآن به‌عنوان حال جاودان، در مقابل گذشته و آینده قرار نمی‌گیرد و دربردارندهٔ تمامی زمان‌هاست، این امر موجب شده است متن حالت خطابی داشته و همیشه رو به سوی خواننده داشته باشد.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، متن مدنظر در راستای اهدافش، از وجه خبری، بیشتر از سایر وجوه بهره می‌گیرد. بر اساس این، می‌توان گفت بخش عمدهٔ این سوره دربردارندهٔ اخبار و اطلاعاتی است که گویندهٔ کلام به‌صورت مستقیم در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.

از مطالب گفته‌شده شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که این کتاب دارای ویژگی‌هایی است که در هیچ متن دیگری یافت نمی‌شود. زمان در این متن، وجه به‌کاررفته در آن، انسجامی که از توجه گویندهٔ آن به مخاطب حاصل می‌شود، الفاظ و عبارات آن و چینش کلمات در قرآن، سبک منحصربه‌فرد و یک‌پارچه‌ای را بر سراسر آن حاکم کرده است.

##### ۵- نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، بررسی فرانش بینافردی در سوره الرحمن در چهارچوب نظریهٔ نقشی - نظام‌مند هلییدی بود. سوره الرحمن پنجاه و پنجمین سوره از قرآن است. این سوره ۷۸ آیه دارد که از ۹۰ بند یا جمله‌واره تشکیل می‌شود. بند، بخشی از کلام است که

دست‌کم دارای دو جزء است: نهاد و عنصر محدودکننده. هر بند علاوه بر این دو جزء، دربردارندهٔ عناصر دیگری نیز هست که به آن افزوده گویند. وجود افزوده برای بند الزامی نبوده و حذف‌شدنی است. به چنین ساختاری از بند، ساختار وجه گفته می‌شود که با در نظر گرفتن ساختار وجه در بندهای یک متن، می‌توان به توضیح فرانش بینافردی در آن متن پرداخت (هلییدی، ۲۰۱۴). تک‌تک بندها در این سوره، به اجزای سازندهٔ آنها تجزیه شدند و با بررسی داده‌های به‌دست‌آمده از این تحلیل، نتایج زیر به دست آمدند:

۱- زمان حال با ۸۶٪ بیشترین بسامد را در مقابل سایر زمان‌ها مانند گذشته ۱۲٪ و آینده ۱٪ دارد. در اینجا پرسشی مطرح می‌شود که چرا گوینده، این متن را بیشتر در زمان حال بیان می‌کند و هدف چه بوده است. قیطوری (۲۰۱۵؛ ۱۳۸۵) در جواب چنین می‌گوید: کتاب آسمانی نشانه‌ای است که هدفش پیوند دادن انسان با خداوند است و ایجاد ارتباط میان خداوند و انسان را وظیفهٔ اصلی خود می‌داند و با توجه به جاودانه‌بودن وظیفه‌ای که دارد، می‌باید از زبانی استفاده کند که آن نیز جاودانه باشد؛ یعنی گذشت زمان و تغییر شرایط و موقعیت بر آن گرد کهنگی نشانند و بتواند پاسخگوی انسان در هر زمانی باشد که گوینده با به‌کارگیری زمان حال در کلام خود به هدفش نائل آمده است؛ زیرا هنگامی که فعل در زمان حال رخ می‌دهد، به این معناست که عمل انجام‌شده توسط فعل، حقیقتی کلی است که همیشه و در همهٔ زمان‌ها درست است؛ برای مثال، آیهٔ زیر را در نظر بگیرید که از همین متن انتخاب‌شده است:

الشمس و القمر بحسبان: خورشید و ماه با حسابی

معین در گردش‌اند.

جدول شماره (۶): ساختار وجه آیه ۱۳ سوره الرحمن

باقیمانده	ساختار وجه			بند
	عنصر وجه			
	وجه	زمان	زمان	
ثانویه		اصلی	نهاد	
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ	پرسشی	ناقص	حال	«اتم»

چرخش خورشید و ماه روی مدار می‌معین، حقیقتی است بی‌زمان که در همهٔ زمان‌ها صادق است.

۲- پس از تحلیل همهٔ بندهای این سوره از منظر فرانش بینافردی، مشخص شد وجه خبری در قیاس با سایر وجوه مانند امری، التزامی، پرسشی و ندایی از بسامد بسیار زیادی برخوردار است:

وجه خبری ۰.۵۷٪، وجه پرسشی ۰.۳۳٪، وجه التزامی ۰.۵٪، وجه ندایی ۰.۲٪، وجه امری ۰.۱٪.

بازوبندی (۱۳۹۸) در توجیه این موضوع چنین می‌گوید که در میان وجوه مختلف، تنها وجه اخباری است که عمل واقع‌شدهٔ فعل را با قطعیت بیان می‌کند. در بندهای دارای وجه خبری، چون وقوع عمل، قطعی است، قول و عمل دارای ارزش یکسان‌اند؛ گویی گوینده همان را می‌گوید که وجود دارد؛ اما در سایر وجوه مانند امری و غیره، چنین قاطعیتی در کلام گوینده وجود ندارد و گفتار با واقعیت بیرونی الزاماً یکسان نیست؛ بنابراین، بسامد بیشتر وجه خبری در مقایسه با سایر وجوه به دلیل این است که گوینده قصد دارد حقانیت گفته‌های خود را ثابت کند و بیشترین تأثیر را بر مخاطب بگذارد.

۳- آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» ۳۱ مرتبه در این متن تکرار شده است؛ یعنی حدود نیمی از این سوره را در بر می‌گیرد. در توجیه این امر شاید بتوان گفت چون این بند دارای وجه پرسشی است، باعث شده است این سوره حالت خطابی به خود بگیرد که در آن گویندهٔ کلام به‌طور مستقیم مخاطب را خطاب می‌کند؛ گویی این سوره خطابه‌ای است که از طرف خداوند متعال برای انسان ایراد شده است. جدول مربوط به ساختار وجهی این آیه در زیر آمده است.

۴- غالب بودن زمان حال و وجه خبری در این سوره موجب شده است «ساختار زبانی» این متن به‌گونه‌ای باشد که هیچ بشری توان تولید آن را نداشته باشد. چنین مفهومی از تکلم را به لحاظ ساختاری، هیچ موجودی تجربه نکرده است و نخواهد کرد. در این متن، مفهومی بسیار قوی‌تر از تکلم ارائه شده است (قیطوری ۲۰۱۵، ۱۳۹۸). نتیجه آنکه این ساختار به شکل‌گیری سبک منحصربه‌فردی در این کتاب آسمانی منجر شده است؛ سبکی که خاص همین متن است و نمونهٔ آن را در هیچ جای دیگری نمی‌توان یافت.

#### کتابنامه

- قرآن کریم. (۱۳۸۴). ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور. تهران: آوای قرآن.
- باتمانی، هوشنگ. (۱۳۹۲). تحلیل سوره یاسین براساس نظریهٔ سیستمی - نقشی هیلدی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی.
- بازوبندی، حسین. و صحرايي، رضامراد. (۱۳۹۴). تحلیل فرانش بینافردی در نص و نقش آن در ترجمه قرآن. دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۲ (۳)، ۲۵-۱.

- Holy Quran and its role in Quran's translation. *QHTS*, (2) 3, 1-25.
- Bazoubandi H. (2019). Remarks on the language of Qur'an; Functional Analysis, Cognitive - Typological Explanation, *Biannual Journal of Quranic Language and Interpretation*, (7) 14, 167-190.
- Azizkhani, M., Najafi, S.R., Shameli, N. (2018). The Application of Halliday's Functional Grammar in Surah al-Inshirah, *Literary Quranic Research*. (5) 4, 69-95.
- Sadeqi, A., Naqizada, H., Tabatabaei, S.M.K. (2015). Structural Commentary of Kauthar Chapter on the Basis of Halliday's Systematic Functionalist Linguistics. *Journal of the Holy Quran and Islamic Texts*, (6) 22, 45-66.
- Gheitory, A. (2019). *The Quran as the Word of God: Research in the Structure of the Religious Sign*. Tehran: Negahe Moaser.
- Gheitory, A. (2006). The Quran Trespassing the Linear Order: A Linguistic Approach, *Language and Linguistics*. (3) 2, 17-31.
- Kermani, H., Gheitory, A., Saberi, S., (2019). Investigating the Transitivity structure of Chapter 12 of the Quran based on Halliday Systemic Functional Approach, *Linguistic Research in the Holy Quran*. (8) 2, 37-52.
- Eggs, S. (2004). *An Introduction to Systematic Functional Linguistics*. London: Continuum.
- Gheitory, Amer. (2015). God and the Present Voice: An Investigation into the Dialogical Nature of the Quran. *Journal Shi'a Islamic Studies*. (8) 3, 289-306.
- Halliday, M. A. K. (2014). *Introduction to Functional Grammar*. USA: Routledge.
- Halliday, M.A.K. (1978). *Language as Social Semiotic: The Social Interpretation of Language and Meaning*. London: Arnold.
- Martin, J.R., Mathiessen, and C. M. & Painter, C. (1997). *Working with Functional Grammar*. London: Arnold.
- Thompson, G. (2014). *Introducing Functional Grammar*. Routledge.
- بازوبندی، حسین. (۱۳۹۸). ملاحظاتی در باب زبان قرآن: تحلیلی نقشگرا، تبیینی شناختی - رده‌شناختی. *دوفصلنامه علمی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، ۷ (۱۴)، ۱۶۷-۱۹۰.
- عزیزخانی، مریم. نجفی سلیمانزاده، سیدرضا. و شاملی، نصرالله. (۱۳۹۶). کاربست دستور نقشگرای هلیدی بر سوره انشراح. *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ادبی - قرآنی*، ۵ (۴)، ۶۹-۹۵.
- صادقی، علی. نقی‌زاده، حسن. و کاظمی طباطبایی سیدمحمد. (۱۳۹۴). تفسیر ساختاری سوره کوثر بر پایه نظریهٔ زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی. *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تفسیری*، ۶ (۲۲)، ۴۵-۶۶.
- قیطوری، عامر. (۱۳۹۸). قرآن به مثابه کلام الهی: پژوهشی در ساختار نشانه دینی. تهران: نگاه معاصر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). قرآن و گذر از نظم خطی: یک بررسی زبان‌شناختی. *زبان و زبان‌شناسی*، ۳ (۲)، ۱۷-۳۱.
- کرمانی، حدیث. قیطوری، عامر. و صابری، کورش. (۱۳۹۸). بررسی ساختار گذرایی سوره یوسف براساس دستور نقشی - نظام‌مند هلیدی. *دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، ۸ (۲)، ۵۲-۳۷.

## Bibliography

- The Holy Quran. (2005). Translated by Abulfazl Bahrapor, Tehran: Avaye Quran.
- Batmani, H. & gheitory, A. (2014). A Systemic Functional Approach to Chapter 36 (Yasin) in the Quran. *Language research*, (5) 901, 7-35.
- Bazoubandi H., Sahraee, R.M. (2016). The interpersonal meta-functional analysis of



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی